

حکومت اتابکان لر بزرگ

داریوش فتوحی

فوق لیسانس جغرافیای انسانی

مقدمه

سرزمین بختیاری در میان کوههای سر به فلک کشیده زاگرس میانی و در استانهای چهارمحال و بختیاری، شمال خوزستان و شرق لرستان واقع است و مساحتی بالغ بر ۴۲۰۰۰ کیلومترمربع دارد. براساس آمارگیری سال ۱۳۷۷ جمعیت این منطقه ۱۸۱۵۰۵ نفر ۲۷۱۷۲ خانوار بوده است که پانزده درصد از عشایر کل کشور را تشکیل می‌دهد.^۱ زندگی آنها به معیشت دامداری بستگی دارد و به سبک شبانی و عشایری است و در یک نظام ایلی، با تغییر فصول سال برای یافتن چراگاههای بهتر به منطقه سردسیر و گرمسیر کوچ می‌کنند و با ایلاتی همچون قشقایی (در شرق)، کهگیلویه (در جنوب)، الخمیس (در جنوب) و ایلات لرستان (از غرب) همجوار است و شامل دو طایفه و شعبه بزرگ به نامهای چهار لنگ و هفت لنگ می‌شود.

موقعیت و اهمیت حکومت اتابکان لر بزرگ

حکومت اتابکان لر بزرگ در سال ۵۵۰ ق به وجود آمد و تا سال ۸۲۷ ق ادامه یافت. حد گسترش نهایی این حکومت شامل سرزمینهای چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمدی، ممسنی^۲ و از غرب تا حدود گلپایگان می‌رسیده^۳ که مرکز آن مالمیر (مالمیر به معنی مقر یا محل رئیس بزرگ ایل)^۴، ایذه کنونی بوده است.

همزمان با این حکومت در لرستان امروزی (بلاد لر کوچک) حکومت دیگری به نام لر کوچک وجود داشته است. ولی به علت قرار گرفتن لر بزرگ در بین فارس (مقر حکومت اتابکان فارس) عراق عجم و عرب (مرکز خلفای بغداد)^۵ و تسلط بر رشته‌کوه‌های صعب‌العبور زاگرس، که مشرف بر خلیج فارس است، اهمیت بیشتری در تاریخ داشته است؛ زیرا هر موقعیتی که می‌یافتند سر از اطاعت حکومت مرکزی برمی‌داشتند و حکومت مستقلی ایجاد می‌کردند. چنانچه حمدالله مستوفی در *نزهة القلوب* از آن به نام تومان یاد می‌کند و آن را ولایتی معتبر می‌داند.^۶

ایجاد و تثبیت حکومت

حکومت اتابکان لر بزرگ از نظر روش کشورداری تحت تأثیر مغول و ایلخانی بوده‌اند و اصطلاحاتی همچون ایل، ایلخان و ایل بیگ که هرم قدرت خوانین بختیاری را در گذشته تشکیل می‌داد از آن دوره به یادگار مانده است. از میان اتابکان هزار اسب، تکه، الب ارغو، نصرت‌الدین احمد و نورالورد بیشتر از دیگران قدرت داشتند.^۷ مؤسس این خاندان را باید ابوطاهر محمد دانست که وی و گروهی از کردان در حدود سال ۵۰۰ ق از جبل‌السماق شام (سوریه کنونی) به لرستان مهاجرت کردند و در دشتهای شمالی اشترانکوه مستقر شدند. او ابتدا به خدمت اتابک سنقر سلغری در آمد و در جنگ علیه ملوک شبانکاره از خود فداکاریهای بسیاری نشان داد^۸ و به پاس این فداکاری حکمران کهگیلویه شد. (مرکز آن لردگان بوده است) پس از او هزار اسب جانشین وی گردید او شهر مالمیر را مرکز حکومت قرار داد. او چون با عدالت، تدبیر و درایت با مردم رفتار نمود آوازه‌اش در جهان پیچید. به همین جهت گروهی از اقوام و قبایل جبل‌المساق به لر بزرگ کوچ کردند^۹ که اسامی آن طوایف و وضعیت کنونی آنها در جدول شماره ۱ بیان



می‌شود.^{۱۰} هزار اسب با آمدن طوایف کرد^{۱۱} قدرت و شوکت زیادی به‌دست آورد و مابقی شولها را از سرزمین بختیاری بیرون کرد^{۱۲} و بدین ترتیب طایفه مماسنی (ممسنی) در آنجا مستولی شدند و از آن پس به سرزمین «ممسنی» معروف شد.^{۱۳} وی در سال ۶۱۵ ق لقب اتابکی از خلیفه ناصرالدین الله گرفت و حکومت اتابکان لر بزرگ یا فضولیه را ایجاد نمود.^{۱۴}

آغاز مجدد کوچ^{۱۵}

از اتابکان قدرتمند جانشین هزار اسب می‌توان به اتابک الب ارغو چهارمین اتابک لر بزرگ یاد نمود (در زمان او حکومت اتابکان رسماً به اطاعت از حکومت ایلخانی درآمد بود)^{۱۶} وی فردی کوشا و بادریت بود و برای عمران و آبادی سرزمین خود بسیار کوشید و با رعایا با حسن تدبیر رفتار نمود چون سرزمین خود را ویران دید برای جلوگیری از فشار مالیاتی همچون رسم مغول بیلاق و قشلاق را پیش گرفت و زمستان در مالمیر و سوسن تا حدود شوشتر^{۱۷} و در تابستان در نواحی جوی سرد (کوه‌رنگ امروز) بازفت و دامنه زرده (زردکوه) که منبع آب رودخانه تشر (کارون) و زنده‌رود (زاینده‌رود) است اقامت می‌کردند. مستوفی درباره زردکوه می‌نویسد در غایت خوشی و چشمه‌های فراوان و علف بی‌پایان دارد.^{۱۸} وی نیز کشاورزی را گسترش داد و از طریق رودخانه‌ها با ایجاد نهر زمینی (قنات) شبکه‌های آبیاری بسیاری ایجاد کرد.^{۱۹}

پناهگاهی برای ادیبان و دانش‌دوستان

از میان اتابکان نصرت‌الدین احمد (هفتمین اتابک) مردی ادیب و دانش‌دوست بود. او نقش مهمی در آبادی این سرزمین داشته است. چنان‌که ابن بطوطه از او به نیکی یاد می‌کند و می‌گوید: «من از مردمی موثق شنیدم که او در قلمرو حکومتی خود ۱۶۰ خانقاه آباد کرد از این تعداد ۴۴ خانقاه فقط در مالمیر بوده است.^{۲۰} وی همچنین می‌افزاید من از آثار خیر این اتابک در نواحی مختلف لر بزرگ زیاد دیده‌ام که این آثار در کوه‌های بلند و صعب‌العبور نیز دیده می‌شد.»^{۲۱} مینورسکی تدبیر و اداره حکومت وی را ستوده است و می‌نویسد: «حکومت نصرالدین احمد جبران خسارت بعضی از اتابکان نالایق را نموده است.»^{۲۲} در زمان وی که مصادف با خفقان دوره ایلخان

وجانشین آنان بوده است^{۳۳} او دانشمندان و علما را در مال میر به دور خود جمع نمود و آنجا را یکی از مراکز فرهنگی ایران قرار داد که در این دوران سه کتاب به نام ایشان تألیف شده است.

۱- تجارب السلف ترجمه کتاب الفخری طقطقی با قلم هندوشاه بن سنجر نخجوابی؛

۲- تاریخ المعجم فی معاییر اشعار العجم تألیف شرف‌الدین فضل‌الله حسینی قزوینی؛

۳- معیار نصرتی در فن عروض و قافیه که آن را شمس فخری اصفهانی تحریر کرده است.^{۲۴}

وی نیز در تقسیم مالیات انصاف را رعایت می‌کرده است چنانچه در این باره می‌نویسد: «در زمان او مالیات به سه قسمت تقسیم می‌شد که یک ثلث آن صرف مدارس و زوایا، یک ثلث دیگر به مصرف قشون و لشکر و ثلث باقی را صرف شخصی و هدیه برای سلطان ابوسعید می‌کرد.^{۲۵}

آخرین اتابکان قدرتمند

نورالوالدین (غنچه گل) و پشنگ لر را می‌توان از آخرین اتابکان قدرتمند لر بزرگ دانست. آنها نیز مانند جدشان نصرت‌الدین احمد، مردانی حق‌دوست بوده‌اند و در عمران و بازسازی و تعمیر خرابیها و توسعه بناها و رباطهای بسیار تلاش کرده‌اند^{۲۶} چنان‌که حافظ درباره پشنگ لر در دیوان خود بسیار می‌آورد:

شوکت پشنگ و تیغ عالمگیر او در همه شهنامه‌ها شد داستان انجمن

بعد از این نشکفد اگر با نکهت خلق خوشت خیزد از صحرای ایذج نافه مشک ختن^{۲۷}

پس از اتابکان پشنگ لر به علت تفرقه افتادن میان طوایف، رهبران ایلی در قلمرو خود قدرت را به دست گرفتند و رفته رفته حکومت اتابکان لر بزرگ ضعیف شد و قدرت و شوکت خود را از دست داد.^{۲۸} چنان‌که در زمان غیاث‌الدین بن کیکاوس در سال ۸۲۷ ق حکومت اتابکان به دست میرزا سلطان ابراهیم تیموری حاکم فارس برچیده شد.^{۲۹}

وضعیت راهها در قلمرو اتابکان لر بزرگ

اتابکان لر در دوران خود به علت قرار گرفتن در بین مرکز و جنوب ایران، همچنین ارزش زیادی که مسیر کوچ ایلات در عبور راههای تجاری در منطقه داشتند سعی در تعمیر و مرمت جاده‌ها و



راهها نمودند.^{۳۰} به همین خاطر راه مهم ایذه به اصفهان در تاریخ به جاده «اتابکی» معروف است.^{۳۱} چنانکه ابن بطوطه درباره شاهراه شوشتر به اصفهان می نویسد: «ما از شوشتر تا کریوارخ (فرخ شهر کنونی) آخرین نقطه قلمرو اتابکان لر بزرگ را به مدت ده روز طی کردیم^{۳۲} و در طی این راه در میان کوههای بلند و روستاهای متعدد مدرسه های گوناگون ساخته شده بود که در آنجا به مسافران طعام داده می شد که امروزه می توان از نمونه این مدرسه ها و رباطها به قلعه مدرسه یا زاویه در بین راه مالمیر (ایذه) و لردگان واقع بوده است.^{۳۳}



پيوست

جدول شماره (۱) اسامي طوايف و ايالات لر بزرگ و وضعيت کنوني آنان در سرزمين بختياري
طوايف لر بزرگ (بختياري)

شماره	تاریخ گزیده	نام کنونی	ملاحظات
۱	استرکی	آسترکی	بختیاری
۲	مماکویه (حماکوبه)	؟	----
۳	بختیاری (مختاری)	بختیاری	بختیاری
۴	چوانکی	جانکی	بختیاری
۵	بیدانیان (بندانیان)	بندونی	بختیاری
۶	زاهد (زاهدیان)		
۷	علایی		
۸	گوتوند	گوتوند	بختیاری
۹	بتون (هوند، موند)	بتوند	هم‌اکنون بین شوشتر و مسجد سلیمان است
۱۰	بوازی (سرازی)	؟	۸۸۸۸
۱۱	شوند (شنوید، نشوند)	شاهوند	تشی در بختیاری
۱۲	زاکی (راکی)	راکی	بختیاری
۱۳	جاکی	این نام رایج نیست	شامل ایلات بویراحمد، چرام، دشمن زیادی نویی و لیاوی است که هم در کهگیلویه به سر می‌برند
۱۴	هارونی (هارویی)	هارونی	در بختیاری در ممسنی پراکنده‌اند
۱۵	آشکی (استکی)	استکی	بختیاری
۱۶	کولی لیاوی	لیراوی	کهگیلویه
۱۷	ممویی (بمویی، تمویی)	ممو (مشایخ)	در کهگیلویه و ممسنی
۱۸	یحفومی (یحفویی)	؟	
۱۹	کمانکشی	کمانکشی	بقایای این طایفه در نزدیکی خشت فارس به سر می‌برند
۲۰	مماسنی	ممسنی	ممسنی و تیره‌ای در بختیاری
۲۱	اریکلی (اویکی، او ملکی)	؟	
۲۲	توانی (توابی)	تونی	بختیاری
۲۳	کسدایی	کسدی	تیره‌های از ایل بابادی بختیاری
۲۴	مدیحه	؟	۸۸۸۸
۲۵	اکورد (کورد)	؟	
۲۶	کولارد	؟	

طوایفی که در جلوی آنها علامت ؟ قرار دارد امروز دیگر اثری از آنها نیست. امکان دارد که جذب دیگر طوایف شده باشند.



مدت حکومت	امرای اتابکان لر بزرگ
رهبرایلی	۱- فتح الدین فضلویه ((ابوالحسن))
رهبر ایلی	۲- علی بن فتح الدین فضلویه
رهبر ایلی	۳- ابراهیم بن علی
۵۵۰ تا ۵۷۵	۴- محمد بن ابراهیم ملقب به ابو طاهر
۶۲۶ تا ۵۷۵	۵- هزار اسب بن ابوطاهر محمد
۶۲۶ تا ۶۵۶	۶- تکلّه بن هزار اسب
۶۷۱ تا ۶۵۶	۷- شمس الدین الب ارغون بن هزار اسب
۶۸۴ تا ۶۷۱	۸- یوسف شاه بن الب ارغون
۶۹۵ تا ۶۸۴	۹- افراسیاب بن یوسف شاه
۷۳۳ تا ۶۹۵	۱۰- نصرت الدین احمد بن یوسف شاه
۷۴۰ تا ۷۳۳	۱۱- یوسف شاه (دوم) ابن نصرت الدین احمد
۷۵۱ تا ۷۴۰	۱۲- مظفرالدین افراسیاب بن نصرت الدین احمد
۷۵۷ تا ۷۵۱	۱۳- نورالورد بن افراسیاب بن اتابک احمد
۷۹۲ تا ۷۵۷	۱۴- پشنگ بن یوسف شاه
۸۱۱ تا ۷۹۲	۱۵- احمد بن پشنگ
۸۲۰ تا ۸۱۱	۱۶- ابو سعید بن اتابک احمد
۸۲۷ تا ۸۲۰	۱۷- شاه حسین بن ابو سعید
۸۲۷	۱۸- غیاث الدین بن کاووس بن هوشنگ بن پشنگ

به نقل از کتاب تاریخ آل مظفر، حسین قلی ستوده، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، جلد ۲، تاریخ مغول، عباس اقبال آشتیانی، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۵، ص ۴۴۸.

پی‌نوشت‌ها

۱. آمارنامه نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور، ۱۳۷۷، جلد اول، ص ۱۳.
۲. اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۴۴۲.
۳. مینورسکی، رساله لرستان و لرها، ترجمه اسکندر امان الهی بهاروند، تهران، بابک، ۱۳۶۲، ص ۴۰.
۴. محمد بن عبدالله، ابن بطوطه، رحله (سفرنامه) ابن بطوطه، جلد اول، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، ص ۱۰۸.
۵. آشتیانی، همان، ص ۴۴۳.
۶. مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، طهوری، ۱۳۳۶، ص ۷۷.



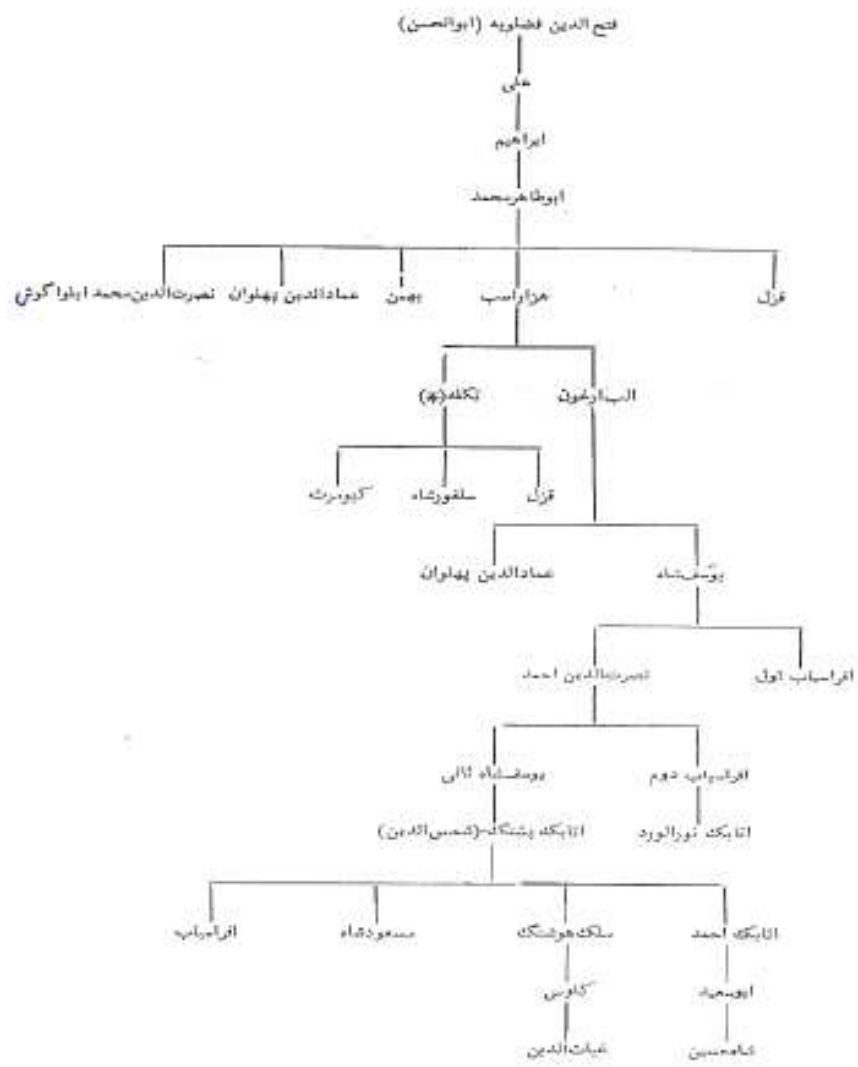
۷. مینورسکی؛ همان، ص ۳۹؛ حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۵۳۹.
۸. مستوفی، همان، ص ۵۴۰.
۹. مینورسکی؛ همان، ص ۳۹.
۱۰. امان‌اللهی بهاروند، اسکندر، قوم لر، تهران، آگاه، ۱۳۶۲، ص ۱۳۲.
۱۱. امروزه نام دهات و روستاهایی در سرزمین چهارمحال و بختیاری به چشم می‌خورد (نمونه آنها روستای کردان، کردشاهی در شمال گندمان و دهکرد نام قدیم شهرکرد) که نام خود را از این کردان مهاجر گرفته است و چنانکه استاد بزرگوار عباس اقبال آشتیانی در مورد آنان می‌گوید: «اهالی منطقه (شهرکرد) از نژاد کردهای اصیل مهاجر که به جهت دامداری و دامپروری به این منطقه کوچ کرده و در رشته‌ها و دامنه‌های مصفای منطقه به زندگی پرداخته‌اند؛ جغرافیای استان چهارمحال و بختیاری، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۸.
۱۲. مستوفی، همان، ص ۵۴۲؛ مینورسکی، همان، ص ۴۰.
۱۳. مستوفی، همان.
۱۴. از این نظر به آنها اتابکان فضولیه می‌گفتند که از نام جدشان فخرالدین فضولیه گرفته شده است.
۱۵. براساس اقتضای طبیعی منطقه عشایری بختیاری و کشفیات پروفیسور هال در جنوب ناحیه (اسکندر امان‌اللهی، کوچ‌نشینی در ایران، تهران، آگاه، ۱۳۶۷، ص ۲۷ و ۲۸) و گفته‌های ابن‌حوقل (صورة الارض، ترجمه جعفر شمار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶، ص ۱۱۲) و اصطخری (المسالك والممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷، ص ۱۲۶) دامپروری به سبک شبانی و عشایری در قبل و بعد از اسلام در ناحیه رواج داشته است.
۱۶. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۵۴۴؛ مینورسکی، همان، ص ۴۰؛ دیتز امان، بختیاریها عشایر کوچ‌نشین ایران در تاریخ، ترجمه محسنیان، مشهد، آستان قدس، ۱۳۶۷، ص ۶۵.
۱۷. مستوفی، همان، ص ۵۴۵-۵۴۴.
۱۸. دتیر، امان، همان، ص ۶۵؛ مستوفی، همان، ص ۵۴۴.
۱۹. پطروشفسکی، ای، کشاورزی و مناسبات اراضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴، ص ۱۵۶، ۲۲۶ و ۳۶۲.
۲۰. ابن بطوطه، همان، جلد اول، ص ۱۰۸.
۲۱. همان، ص ۲۰۴.
۲۲. مینورسکی، همان، ص ۴۲.
۲۴. آشتیانی، همان، ص ۴۴۷.
۲۵. ابن بطوطه، جلد اول، ص ۲۰۵.
۲۶. آشتیانی، همان، ص ۴۴۸.
۲۷. حافظ، دیوان غزلیات، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، جلد ۳، ص ۳۹؛ دیوان حافظ به تصحیح قزوینی و غنی، ص ۲۸۶.
۲۸. آشتیانی، همان، ص ۴۴۸؛ حسینقلی ستوده، تاریخ‌المظفر، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، ص ۱۴۶.
۲۹. اوژن بختیاری، ابوالفتح، تاریخ بختیاری، تهران، وحید، بی‌تا، قسمت اول، ص ۶.
۳۰. ابن بطوطه، همان، ص ۲۰۴.

۳۱. زیربنا مربوط به دوران ایلامی است چنان‌که استرابون از آن به‌نام جاده گیبانه (اصفهان) به سوزیان (خوزستان) یاد می‌کند (سفرنامه راولیسون، ۱۳۶۲، ص ۱۰۸) و گیرشمن، آن را یکی از مهم‌ترین مراکز اجتماعات انسانی و راههای تمدن‌ساز جنوب‌غربی ایران می‌داند (گیرشمن، *ایران از آغاز تا اسلام*، ۱۳۶۲، ص ۳۳۱) و از طریق همین جاده اسلام در سال ۲۳ق وارد بختیاری و قدامه بن جعفر مسیر و منازل آن را در قرن چهارم چنین ذکر می‌کند شوشتر، ایذج، رستاق کرد، شلسل، اردیبهشت‌آباد، کریرکان، بابکان، سپس به خان انجان متصل می‌شد. (مجله *اثر*، شماره ۲۲، ۲۳، ص ۲۱۰) که به احتمال زیاد بطوطه از همین مسیر حرکت نموده است. (داریوش فتوحی، فصلنامه *بام/ایران*، اداره ارشاد اسلامی، شماره ۹، بهار ۱۳۸۰، ص ۱۰ به مقاله «راههای باستانی و تاریخی سرزمین چهارمحال و بختیاری مراجعه شود).

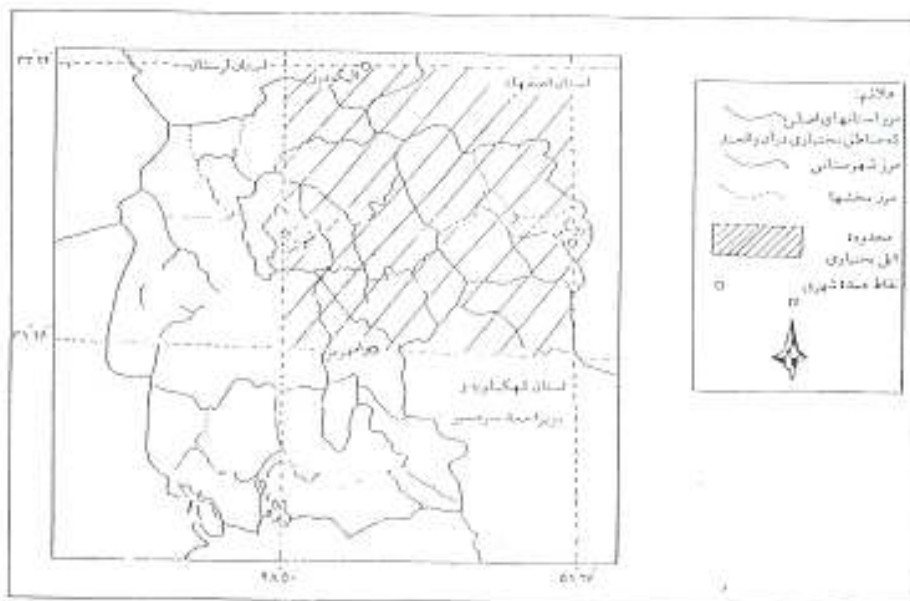
۳۲. ابن بطوطه، همان، ص ۲۰۴.

۳۳. داریوش فتوحی، نخستین همایش علمی راهبردهای توسعه سیر و سیاحت استان چهارمحال و بختیاری، مقاله «جغرافیای تاریخی لردگان»، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۴۴.

شجره نسب اتابکان لر بزرگ



(۹۹) لر زندان تکله را ، لر نوشته اند ولی نام پیش از سه لر آنان معلوم نگردید .



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی محدوده اصلی ایل بختیاری



نقشه ۲: موقعیت اتابکان لر بزرگ و مسیر ابن بطوطه